

■ ماه بانو (مجموعه‌ای از تصنیف‌های قدیمی، با انتخاب و با صدای صدیق تعریف). اجرای آثاری از ابوالقاسم عارف قزوینی، مرتضی نی‌داود، ابوالحسن صبا و رضا محجوبی. اشعار از سعدی، باباطاهر، عارف، دهقان سامانی، رهی معیری، پژمان بختیاری، بهادر یگانه و دکتر موحد. هم‌نوازان: کیوان ساکت (تار): اردشیر کامگار (کمانچه) و ارزنگ کامکار (تنبک). طرح جلد: ابراهیم حقیقی. خوشنویسی: استاد غلامحسین امیرخانی

□ خواننده برگزیده‌ای که موسیقی شکوهمند سریال

امام علی (ع) را با صدای شورآفرینش، رنگ و جلا بخشیده بعد از ارائه هفت (یا هشت؟) کاست، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بیست و پنج سال هنرآموزی خود رسیده است. اجرای گرم و صمیمی ترانه‌های مولانا عبدالقادر مراغی در سریال امام علی (ع)، با موسیقی زیبای استاد فرهاد فخرالدینی، نشان داد که صدیق تعریف در فوت و فن تصنیف خوانی، خواناتر از این حدود است. نباید تصور کرد آثاری که خواننده امروز عرضه می‌کند، نشانه و نماینده تمام توانایی‌های اوست. این تصور درست نیست. اثری که به بازار می‌آید، برآیند توانایی‌های خواننده در ارتباط مستقیم و متقابل شرایط روز، همکاری تهیه‌کنندگان و همدلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رمان بین علوم انسانی

... تو

باید

• آمنة آبیدر • همت خویشی

موسیقی ردیف و دستگامی  
موسیقی در ایران

هنرمندانی است که با او در تهیه این اثر، یار و شریک بوده‌اند. هفت یا هشت نوار برای خواننده‌ای که نام او بعد از نام استاد محمدرضا شجریان، در کنار دو یا سه خواننده همیشه مطرح موسیقی ایرانی بوده، تعداد کمی است: هر دو سال یک نوار کاست؛ در حالی که هر خواننده موفقی که کم و بیش به موقعیت اجتماعی صدیق تعریف رسیده باشد، هر دو یا سه ماه یک نوار کاست عرضه می‌کند. دوستداران تعریف بر او خرده می‌گیرند و آرزومندند نوارهای بیشتری از او داشته باشند؛ و خواننده نکته‌دان، دریافته که کیفیت والا را نمی‌شود از تیراژهای بالا توقع داشت. صدیق تعریف، در چهارراه بازار و هنر، دومی را انتخاب کرده است. چنین

حدی، حد هر کس نیست.

نوار «ماه بانو»، نمایش هنر تصنیف خوانی صدیق تعریف است. ولی هنرمندی او به مهارت‌های اجرایی ختم نمی‌شود. در این سرزمین، هنرمند تمام مراحل تهیه اثرش را - از فعلگی تا شاعری - خودش باید انجام دهد، و به هیچ همکاری چشم امید نداشته باشد. آشنایان با کارهای قبلی تعریف، ذهنیت و سلیقه او در این نوار را خیلی روشن و واضح، حاضر و ناظر دیده‌اند: انتخاب قطعات، تصرف کوچک و ظریف در ساختمان نغمه‌ها و اشعار، ترتیب‌بندی آثار، خلاقیت و ابتکار در اجرای تحریرهای ریز و سریع در



طاهرزاده) خواند و چه اجرایی ارائه داد. اگر محمدرضا لطفی از ایران نرفته بود، شاید صدیق تعریف زودتر به رگه های طلایی استعداد خود دست پیدا می کرد؛ و اگر دست اندر کار (نه دستی از دور بر آتش) داشته باشیم، خواهیم فهمید که خواننده برای رسیدن به چهارچوب اصلی کارش چقدر کار کرده است؛ حفظ اصالت ها همراه با نوآوری سنجیده و منطقی در چهارچوب سنت تعیین موفقیت او در این راه آرمانی به عهده موسیقیدانان بزرگ و نامداری است که در این سالها، دوست و همکار صدیق تعریف بوده اند. استاد فرامرز پایور را از جمله زیبایی است: «موسیقی خوب آن است که اساتید می پسندند و مردم آن را دوست داشته باشند.» نظر اساتید را باید موکول کرد به زمانی که نظرات آنها (که اکثراً مثبت و پر امید بوده)، چاپ شود، ولی استقبال مردم از حال و احساس صمیمی صدای او، منکری نداشته است.

بخشهای پایانی جملات هم ترانه ها و تصنیف ها، و ... بالاخره نامگذاری نوار کاست، به یاد هنرمندی بزرگ و فراموش ناشدنی که ماه آسمان آواز ایران و خورشید آسمان محبت و انسانیت بود. می گویند بعضی از اجرام آسمانی، که میلیاردها سال نوری از منظومه ما دور هستند، بعد از مدت معینی، متفجر می شوند و می سوزند و از وجود فیزیکی آنها هیچ چیز حتی مثنی خاکستر هم باقی نمی ماند، ولی نوری که از سوختن آنها پدید می آید، مسافتی بسیار بعید و عظیم را طی می کند تا به منظومه ما برسد. جسمیت آن سیاره مدتهاست از بین رفته، ولی نور او به ما رسیده و هنوز هم می رسد. قمر نیز چنین بود. چهل سال پیش او را به خاکهای گرم ظهرالدوله شمیران سپردیم و حالا تنها صدا صدای او که مانده «ماه بانو» تعظیمی است به ماهتابی که هیچوقت از فروغ نمی افتد.

آن چه در این نوار مهم است، انتخاب آثار قدیمی با

● صدیق تعریف، در چهارراه بازار و هنر، هنر را انتخاب کرده است.

● اجرای تصنیف موسیقی امام علی (ع) شهرت صدیق تعریف را تا مرزهای بین المللی دنیای اسلام برد.

تصنیف های «ماه بانو» غیر از یکی دو تا، همه از آثاری است که با صدای روانشاد قمرالملوک وزیری در صفحات قدیمی موجودند. تعریف، آن تصنیف ها را با امکانات صدای خود باز آفریده، و تصرفاتی در آنها به خرج داده که هم مولود سلیقه شخصی و هنرمندانه خود اوست و هم نشان دهنده حال و هوای موسیقی امروز. تصنیف بسیار زیبایی «آتشی در سینه دارم جاودانی» (بهترین اثر استاد نی داود) با دو روایت شعری خواننده شده و بین دو بخش. تنها تکه آوازی موجود در نوار (اجرای گوشه غم انگیز، با شعر سعدی و با تأثیر از لحن استاد سیدعلی اصغر کردستانی) به گوش می رسد. همنازی تار کیوان ساکت، با آن تکنیک درخشان، و با همه تأثیری که از ذهنیت خواننده گرفته، به شدت یادآور لحن و بیان تار استاد علینقی خان وزیری است. تصنیف «شانه بر زلف پریشان» تقریباً بدون هیچ تغییر آشکاری در ساختمان اثر، اجرا شده و تأثیر ذوق و سلیقه

دخل و تصرف هنرمندانه در آنهاست. آثار قدیمی بسیار حساسند؛ از طرفی، بازسازی آنها به همان طرز قدیمی کار بسیار مشکلی است و نود درصد اوقات، درست جواب نمی دهد. از طرف دیگر، ذره ای اهمال و بی مراقبتی در بیان و اجرا، آن را از حس و حال می اندازد و به قولی، روح اثر را می کشد. راه خواندن آثار قدیمی، نه تقلید از قدیمی ها است و نه دخالت دادن عناصرهای شبه غربی موسیقی امروز ایرانی. شاید درست این باشد که ترمیم و تغییر در یک اثر سنتی با مدد گرفتن از مواد و عناصر سازنده خود آن سنت باشد. این کار حساسیت و ریزبینی می خواهد، و کار هر کسی نیست. مگر خواننده ای که با سماجت و علاقه راه خودش را پیدا کرده باشد. تعریف در این راه، استادی نداشته است. کستی نبوده که تمام وقت به پرورش او همت کرده باشد. اگر خواننده ما رهاوردی داشته است، همه را مدیون خودش است. یادمان هست که در سال ۱۳۶۲، اولین نوار خود را (به یاد

تعریف در اجرای با کلام از رنگ دشتی است که ترکیبی از دو ملودی بسیار مشهور (از استاد صبا و رضا محجوبی است). رنگ دشتی تا به حال بی کلام اجرا می شد و ملودی استاد صبا همراه با کلامی فکاهی بود. این دو نغمه قدیمی در تلفیق منطقی سنجیده با یکدیگر جوش خورده و یکدست شده اند و اشعار آنها نیز از آثار رهی معیری و دکتر موحد (؟) انتخاب شده است. این نمونه خوبی است از خلاقیت درست و سنجیده در بازخوانی آثار قدیمی؛ و باطل کننده حرف کسانی که مدعی هستند ظرفیت های خلاقانه در موسیقی سنتی تمام شده اند. بله، در زمانی که ملودی های ردیف را بی قاعده و بی ضابطه روی اشعار سعدی و حافظ تقسیم می کنند و به خیال خود «اثر هنری (۱)» خلق می کنند، در زمانی که آهنگساز خوب حکم کیمیا را پیدا کرده، کاری بهتر و ماندنی تر از اجرای آثار قدیمی نیست. اگر بعضی آقایان هنرمند، این آثار را ارث پدر خود تلقی نکنند و خواندن آنها

و اما تصنیف «شبلی یا روزی» را قبلاً با صدای استاد شجریان شنیده ایم. اصل این آهنگ، اشاره ساده ای است به بیات ترک و کمی اشاره به دشتی؛ و اگر کسی در اجرای این اثر قدیمی، مختصر تنوعی ندهد، شنونده را خسته کرده است. مدخلیت ذوق خواننده در این اثر را باید شنید و امتیاز او را بر خوانندگان مشابه دریافت. صدیق تعریف مدتی شاگرد محضر استاد شجریان بوده، ولی شاید تنها کسی است که لحن استادش را تقلید نمی کند و سعی می کند لحن خاص خودش را پیدا کند و مثل خودش بخواند.

همین بزرگترین عاملی است که خاطره صدای یک خواننده در ذهن مردم باقی بماند. این صدا با گذشتن از چهل سالگی پخته تر می شود و این تحریرهای مینیا توری و سریع و چابک که در جمله های ریتمیک تصانیف قدیمی شنیده می شود تبدیل به شیوه ای از اجرا خواهد شد. همناواری تار و کمانچه و تنبک در این نوار،

● در زمانی که آهنگساز خوب حکم کیمیا را دارد، بهتر از اجرای تصنیف های قدیمی به شیوه درست، کاری نمی توان کرد.

● اجرای پر قدرت کیوان ساکت، به شدت یادآور حال و هوای تار استاد علینقی وزیر است.

روی هم رفته صدای دلنشینی دارد و ولی تک تک آنها بدون ایراد نیست. در توانایی های فنی و حالت عاطفی - انسانی تار کیوان ساکت تردیدی نیست ولی اجرای او - با همه دخالت های صاحب اثر - باز هم یادآور استاد وزیر است تا استاد نی داود و هنرمندان دیگری که با قمر می نواختند و برای او آهنگ می ساختند. حال و هوای کمانچه اردشیر کامکار هنوز به طرز تقریباً آشکاری «ویولونی» است و البته در همناواری چندان مشکلی ایجاد نمی کند، تنبک ارزنگ کامکار نیز به شیوه ای منطقی و آرام، همراهی می کند نه مهممه و هلهله هایی که از دیگر تنبک ها شنیده می شود. روی هم رفته، کار به طرز قابل قبول جمع شده و قطعات اجرا شده در مقایسه با همدیگر، اختلاف سطح چندانی ندارند؛ همه به دل می نشینند. کار کردن انفرادی در این سطح، در این روزگار کار آسانی نیست.

را به خود منحصر ندانند.

تصنیف قدیمی «کش مکش روزگار» در بیات ترک به روایت استاد بهاری نیز با همان دخل و تصرف ظریف در ملودی اجرا شده و زیباشناسی شعری - ملودیک با معیارهای قدیمی در آن شنیده می شود و بیشتر از دیگر آثار به حال و فضای قدیمی ها نزدیک است. ضرباهنگ نسبتاً شاد و بشاش آن، مقدمه ای است برای خواندن تصنیف «باد خزانی» از عارف که انصافاً در کنار اجرای تصنیف دشتی «شانه بر زلف»، پر احساس ترین بخش اجرای صدیق تعریف در نوار ماه بانوست. خواننده از مایه بالا در چپ کوه شروع کرده و تحریرها را با قدرت و اعتماد بنفس و روشنی اجرا نموده است. خواندن در این مایه بلند کار راحتی نیست و چنین شور و حالی، موقع ضبط در استودیو خیلی کم پیش می آید، و در واقع، موهبت و غنیمی است کمیاب، صدای تعریف با این دو تصنیف، ماندگار خواهد بود.